

بررسی علل و چگونگی تمرکزگرایی تهران در سه دهه گذشته

مجید یاسوری* - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه گیلان
حسین حاتمی‌نژاد - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و عضو قطب برنامه‌ریزی و توسعه پایدار گردشگری، دانشگاه تهران
هانیه اسدزاده - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گیلان

تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۰۲/۳۰

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۸/۱۸

چکیده

ایران به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، تا قبل از آغاز قرن حاضر، نظام شهری نسبتاً متعادلی داشته است، اما با به‌وجود آمدن حکومت متمرکز، تکیه بر درآمدهای نفتی و تزریق آن به قطب‌های انتخاب‌شده، به‌ویژه تهران، زمینه تمرکزگرایی فراهم شده و سبب شکل‌گیری و کاهش تعادل سرزمینی شده است. به‌علاوه، عوامل سیاسی، اقتصادی، زیرساختی، جمعیتی و نیروی انسانی نیز به تمرکزگرایی تهران دامن زده است و فاصله تهران از سایر مناطق کشور را افزایش داده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی-تحلیلی است. با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی روند شکل‌گیری تمرکزگرایی در ایران و مرکز توجه آن، تهران پرداخته می‌شود و سپس با استفاده از روش شاخص ناموزون موریس، نابرابری و فاصله ایجادشده بین مناطق مختلف کشور - که به‌نوعی محصول تمرکزگرایی است - بررسی می‌شود. درنهایت، با بهره‌گیری از سالنامه‌های آماری، عواملی که به تمرکزگرایی دامن زده‌اند، از نظر کمی و آماری بررسی می‌شود تا وضعیت تهران در این میان مشخص شود. نتایج نشان می‌دهد که استقرار درازمدت دولت مرکزی در تهران، ساختار سیاسی و اداری متمرکزی را در این شهر پایه‌ریزی کرده است که نتیجه آن زهکش کردن بخش وسیعی از جمعیت، فعالیت و امکانات به این محدوده جغرافیایی بوده است؛ به‌گونه‌ای که اغلب امکانات مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یا در تهران متمرکزند یا از تهران کنترل می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: تمرکززدایی، تمرکزگرایی، توسعه نامتوازن، تهران، نابرابری.

مقدمه

از سال ۱۳۰۰ به بعد، حرکت به سوی تمرکزگرایی همه‌جانبه (سیاسی، اداری و اقتصادی) شتاب گرفت و نهادینه شد. اختیار تصمیم‌گیری و اجرا در تمام امور عمومی و امور مربوط به حاکمیت و تصدی، تمرکز فردی، مکانی و سازمانی یافت. حکومت، مهم‌ترین هدف سیاسی و اقتصادی خود را استقرار امنیت و ایجاد بازاری سراسری، برای ادغام در بازار جهانی قرار داد. برای تحقق این دو هدف، اختیار تصمیم‌گیری تمرکز یافت و تصمیم‌های هدفمند از مرکز سیاسی کشور صادر شد. قوانین انحصاری- که دخالت و سهم جامعه را در مدیریت اقتصادی- اجتماعی کاهش می‌داد- به تصویب رسید. کلان‌شهر تهران به تدریج شکل گرفت و شبکه راه‌ها و توزیع خدمات، زنجیره‌ای شد. در نتیجه، سکونت در مرکز سیاسی کشور، به دلیل نزدیکی به مراجع قدرت و تصمیم‌گیری، بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات برتر و بیشتر، واجد ارزش اجتماعی شد. قوانین تمرکززدای سال‌های نخست پس از مشروطه، به سود قوانین تمرکزگرای بعدی، اعتبار خود را از دست داد و پایه‌های تمرکز در نظام شهری فراهم شد (احسن، ۱۳۷۳: ۴۶-۴۷).

نظام جدید اداری ایران، از نظام اداری فرانسه اقتباس شده است، اما در ایران، نظام اداری- سیاسی از فرانسه هم متمركزتر است (سازمان مدیریت و برنامه، دفتر آمایش سرزمین). در ابتدا که حجم وظایف و خدمات دولتی کم بود، این سیستم به خوبی عمل می‌کرد، اما به تدریج، مشکل‌های خود را نشان داد. روش تمرکز، بخش زیادی از کارکنان دولت را در تهران متمرکز ساخت. نتیجه نهایی تمرکز سیاسی و اداری، اقتصادی و...، پیدایش تمرکز شهری است؛ زیرا تهران جایگاه همه‌جانبه شد و سرمایه‌های دولتی و خصوصی بیشتری را به خود جذب کرد. تمرکزگرایی تهران، متأثر از عوامل گوناگونی پدیدار شد و این عوامل سبب ایجاد فاصله شایان ملاحظه تهران از سایر شهرها و مناطق کشوری شد. تمرکز سیاسی- اداری در تهران، به جذب نیروهای متخصص نیز انجامید. از سوی دیگر، دفاتر مرکزی تمامی نهادها و مؤسسه‌هایی که به نحوی کنترل اداره امور اقتصادی و اجتماعی کل کشور یا بخش‌هایی از آن را برعهده دارند را در تهران مستقر کرد. روند تمرکز اقتصادی در تهران، در واقع روند انباشت سرمایه در پایتخت بوده است. تمرکز بیشتر اشکال فعالیت اقتصادی در تهران، تابعی از موفقیت مسلط دولتی- اداری این شهر نسبت به بقیه گستره پهناور کشور است. این تمرکزگرایی، پیامدهایی را به دنبال داشته است که از یک سو، سایر مناطق کشور را از دستیابی به توسعه‌ای مطلوب بازداشته و از سوی دیگر تهران را با مشکل‌هایی مواجه کرده است که حل آن‌ها در ابتدا در گرو شناخت عوامل زمینه‌ساز تمرکزگرایی و سپس کاهش آن عوامل است. بدین منظور، این مقاله در پی پرداختن به این سؤال است که چه عواملی به تمرکزگرایی تهران منجر شده‌اند و این عوامل، چگونه آن را به قطب پررنگ کشور تبدیل کرده‌اند.

مبانی نظری

سابقه تمرکزگرایی در ایران

با توجه به تاریخ گذشته کشور، سیستم فدرال با واقعیت‌های تاریخی نیز مطابقت دارد. به طوری که در بیشتر ادوار تاریخی، مناطق تحت قلمرو حاکمان و فرمانروایان ایران، اغلب به صورت خودمختار اداره می‌شدند و پادشاهان، افرادی را برای فرمانروایی در آن مناطق می‌گماردند که وظیفه تعیین خراج و مالیات را برعهده داشتند و در مواقع جنگ، برای پادشاهان، نیروی نظامی جمع‌آوری می‌کردند (نوری دانش، ۱۳۸۰: ۱۱۴). نظام حکومتی که هخامنشیان به وجود آوردند، نخستین حکومت فدراتیو در تاریخ بشر شمرده می‌شود (مجته‌دزاده، ۱۳۸۱: ۱۱). در واقع، پارس‌ها نوعی دولت آزادمنش با مدیریت مبتنی بر اصول تمرکز و نبود تمرکز شکل دادند (فقیهی، ۱۳۸۴: ۱۵۲). پس از آن، سلوکیان نیز از این شیوه برای اداره قلمرو خود پیروی کردند. از آنجا که اشکانیان روش حکومت قدیمی را برپا داشتند، حکومت آن‌ها شبیه ملوک‌الطوایف بود

(زنجانی، ۱۳۸۰: ۶۲۷). حتی اگر متمرکزترین دوره تاریخی ایران را دوره ساسانی فرض کنیم، مناطق مختلف کشور، آزادی عمل و اختیار بیشتری داشتند (نوری دانش، ۱۳۸۰: ۱۱۴). پس از اسلام، دوره جدیدی آغاز شد که باید آن را عصر پیدایش حکومت‌های محلی در منتهی‌الیه شرقی دولت اسلامی دانست (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۲۲۶). در زمان حکومت صفویه نیز با اینکه نظام اداری کشور براساس تمرکزگرایی بود و تمام قوا و اختیارها از پادشاه ناشی می‌شد، ایالت‌ها، اختیارهای زیادی داشتند و ممالک محروسه به معنای واقعی آن عبارت بود از اتخاذ ایالت‌ها و مناطق تحت قلمرو صفویه (نوری دانش، ۱۳۸۰: ۱۱۴). در عصر قاجار، با اینکه دولت، مطلق و خودکامه بود، شبکه متمرکز و گسترده بوروکراتیک وجود نداشت. این امر تا حدی ناشی از فقر نسبی دولت و جامعه، تا حدی ناشی از ماهیت سنتی دولت و تا اندازه‌ای ناشی از نبود وسایل جدید ارتباطی و فنی بود (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۵۲). با این حال، انقلاب مشروطیت را می‌توان مبنایی تاریخی در روند سیاسی-اقتصادی کشور به‌شمار آورد. به طوری که آن را نمودی از اعتراض و واکنش مردم ایران به تمرکزگرایی دوره قاجار به دانست. یکی از خواسته‌های اصلی و مهم آزادیخواهان و طرفداران حکومت مشروطه، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود تا بدین وسیله، از قدرت حکومت مرکزی بکاهد و حتی الامکان دست حکومت مرکزی را از کارهای مربوط به ایالت‌ها و ولایت‌ها کوتاه کند. این نظام حکومتی در دهه چهارم قرن بیستم، به دست رضاشاه پهلوی منحل شد و جای خود را به نظام حکومتی متمرکز داد (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۸: ۹۹).

ساختار دولت در ایران، تا انقلاب مشروطیت به هیچ‌روی با ساختار و کارکرد دولت به مفهوم دولت ملی سازگاری نداشته است. اگر کارکرد دولت را از نظر وظیفه‌مندی به «اعمال حاکمیت» و «اعمال تصدی» تقسیم کنیم، درمی‌یابیم که تا انقلاب مشروطیت، دولت‌های ایران صرفاً به اعمال حاکمیت، آن هم فقط در عرصه تأمین امنیت و جوهی از مالیه عمومی (باج و خراج) می‌پرداخته‌اند و در دیگر امور، هیچ‌گونه دخالتی نداشته‌اند. پس از انقلاب مشروطیت است که دولت، علاوه بر اعمال حاکمیت- که مطابق قانون اساسی، در مقایسه با گذشته گسترش می‌یابد و زمینه‌های گوناگونی را دربرمی‌گیرد- به اعمال تصدی نیز موظف می‌شود. گسترش این وظیفه‌مندی، به‌ویژه پس از زمامداری رضاشاه- که در آن، عرصه‌های متعدد اقتصادی- اجتماعی، منحصرأ در اختیار دولت قرار می‌گیرد- پایتخت را به مرجع تمامی امور و مرکز آمدوشد مردم و کارگزاران دولتی تبدیل می‌کند (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴: ۴).

با به‌قدرت‌رسیدن رضاشاه و رشد نظام سرمایه‌داری در ایران، تغییرهایی اساسی در فرایند برنامه‌ریزی به‌وجود آمد. تلاش در جهت غلبه بر قدرت‌های محلی از یک سو و تسلط سرمایه‌های خارجی بر اقتصاد ملی از سوی دیگر، زمینه را برای شکل‌گیری نظام سیاسی- اداری متمرکز فراهم کرد. این تحول‌ها سبب شد تا مناسبات اجتماعی- اقتصادی کشور که بر مبنای قلمروهای جغرافیایی شکل گرفته بود، به یک ساختار بخشی متناسب با تقسیم اجتماعی کار تبدیل شود. برای تحقق این هدف، رضاشاه ساختار قدرت بسیار متمرکزی را در تهران به‌وجود آورد. سپس تلاش کرد تا از طریق ایجاد وزارتخانه‌های بخشی، ساختار اقتصادی مناطق را به ساختار بخشی تبدیل کند. در پی این تحول‌ها، روابط بین مناطق و دولت مرکزی، براساس مناسبات بخشی در اقتصاد ملی به‌وجود آمد. بدین ترتیب، وزارتخانه‌های بخشی، هریک ساختار اداری خود را در مراکز استان‌ها ایجاد کردند و به تنظیم روابط بخشی در این فرایند کمک کردند. به تدریج، بوروکراسی جدید، جایگزین مناسبات مشارکتی و سنتی محلی شد؛ استان‌ها از نظر سیاسی و اقتصادی، تابع تهران شدند و همه تصمیم‌ها در مورد سرمایه‌گذاری، انتقال مازاد اقتصادی و حتی اولویت‌بندی برنامه‌های منطقه‌ای در سطح ملی و در تهران انجام گرفت (امیراحمدیان، ۱۳۷۳: ۵۱۰).

روند تمرکزگرایی

مسئله تمرکزگرایی در کشورهای مختلف، به‌ویژه جهان سوم، به دو صورت عمده بیان می‌شود: نخست، تمرکز مدیریت و

تصمیم‌گیری برای تخصیص امکانات و منابع یا «تمرکز کارکردی» و دوم، تمرکز در بعد فضایی از حوزه‌های پیرامونی به مراکز اصلی یا «تمرکز فضایی» (روستایی، ۱۳۷۷: ۸۹). تمرکز فضایی عبارت است از توزیع جغرافیایی درآمدهای دولتی، صنایع، تجارت، جمعیت و اشتغال در یک یا چند مکان معین (شکویی، ۱۳۸۴: ۴۰۳). عوامل تمرکز، چندگانه و متفاوت‌اند. در این میان، نقش عوامل سیاسی و دولت، ساختار و عملکرد آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (رهنمایی، ۱۳۸۳: ۱۱۶). نظام اداری و سیاسی متمرکز، برای تسلط بر امور یک کشور، چاره‌ای جز به‌کارگیری نظام برنامه‌ریزی متمرکز ندارد. به‌همین دلیل، نظام اداری-سیاسی متمرکز، ناچار تن به تقسیم کار بخشی می‌دهد. به‌عبارت دیگر، برنامه‌ریزی بخشی^۱، همان برنامه‌ریزی متمرکز است و در نتیجه، تمرکززدایی اداری و سیاسی، مستلزم تمرکززدایی اقتصادی و تحول از برنامه‌ریزی بخشی به برنامه‌ریزی منطقه‌ای است (مطوف، ۱۳۷۸: ۵۲).

در بطن تمرکزگرایی سیاسی، نظام تصمیم‌گیری متمرکز نهفته است. تصمیم‌گیری متمرکز نیز نظام اطلاعات متمرکز را به‌وجود می‌آورد. نظام اطلاعات متمرکز، به‌طور طبیعی به برنامه‌ریزی متمرکز می‌انجامد. برنامه‌ریزی متمرکز نیز تمرکزگرایی اداری، تجاری و تولیدی را به‌وجود می‌آورد. این تمرکزگرایی، در بعد جمعیتی، تمرکزگرایی خدماتی و ابعاد بهداشتی، آموزشی، خدمات عمومی و... را دربردارد و این خود موجب جذب و تمرکز بیشتر جمعیت می‌شود. شهر اصلی و پایتخت، حاصل تمرکزگرایی همه‌جانبه فوق است. شهر اصلی، روزبه‌روز از لحاظ فضایی و جمعیتی گسترش پیدا می‌کند و موجب کاهش تعادل بین مناطق می‌شود (افروغ، ۱۳۷۳: ۱۳۱).

به‌طور کلی، پدیده تمرکزگرایی در ایران را می‌توان ناشی از دو مسئله دانست: یکی ترکیبی از میل به تمرکز ذاتی نظام سرمایه‌داری (عامل خارجی) در جهت تمرکز فرایند تولید و دیگری ناتوانی زیرساختی کشورهای ماقبل صنعتی یا جهان سوم (عامل داخلی) در جذب غیر متمرکز الگوی مصرف سرمایه‌داری. این جریان‌ها در نهایت، به تمرکز شدید این نظام در جهان سوم منجر شده است (پیران، ۱۳۶۸: ۴۸). بررسی الگوی توسعه فضایی در ایران، بیانگر آن است که ساختار فضایی کشور، دو بخش مرکز و پیرامون دارد؛ به‌طوری‌که این ساختار در درون خود زیرنظام‌هایی را دارد که در مقیاس پایین‌تر، قابل تقسیم به بخش‌های مرکز و پیرامون است. این مرکز-پیرامون به‌طور موزون و هماهنگ توسعه نیافته‌اند؛ بلکه رابطه‌ای استعماری بین مرکز و نواحی پیرامونی برقرار بوده است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد توسعه ناموزون و نامتعادل و نابرابری‌های منطقه‌ای ایران، نتیجه وجود روابط میان مرکز-پیرامون به‌صورت انعکاسی از توسعه سرمایه‌داری در مقیاس ملی و بین‌المللی است. توسعه روابط سرمایه‌داری در بطن اقتصاد تک‌محصولی، متکی به صادرات نفت و جایگزینی مازاد اقتصاد حاصل از آن به جای مازاد اقتصادی حاصل از فروش تولیدها و محصولات کشاورزی، الگوپردازی از کشورهای توسعه‌یافته در جهت صنعتی‌شدن و تأثیرهای اقتصاد سیاسی، به‌کارنگرفتن سازوکار فرصت برابر برای تمامی نواحی، توسعه‌ندادن نواحی، براساس نیازهای جمعیتی و توان‌های محیطی و نبود نظام برنامه‌ریزی منسجم از پایین به بالا سبب شد سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاری درآمدهای ملی و رانت‌های نفتی در نواحی مرکزی متمرکز شوند که وجه مشخصه آن، صنعتی‌شدن، توسعه فنی سریع، دستمزدهای بالا، بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی و تسهیلات و خدمات و استانداردهای مطلوب زندگی است. درحالی‌که نواحی پیرامونی، از لحاظ جغرافیایی، شامل قسمت عظیم سرمایه و نیروی انسانی بوده است. مهاجرت از نواحی پیرامونی به این مراکز، سبب شکل‌گیری الگوی مرکز-پیرامون و توسعه برون‌زای نواحی بزرگ شهری شده است. درواقع، عقب‌ماندگی نواحی پیرامونی در ایران، چارچوب توسعه نواحی مرکزی بوده است؛ زیرا انتخاب قطب‌های رشد در نواحی کمتر توسعه‌یافته، مکان‌یابی نشده بودند؛ بلکه در مراکز بزرگ استانی و شهری که با رشد سریع همراه بود، انتخاب شده بودند. این امر موجب سرازیرشدن امکانات و پتانسیل اولیه توسعه به این

۱. برنامه‌ریزی بخشی به برنامه‌ریزی در یک بخش اقتصادی یا اجتماعی یا زیربنایی در قالب راهبرد توسعه ملی و هدف‌های پیش‌بینی‌شده می‌پردازد. به‌عبارت دیگر، فرایند تنظیم روند تغییرهای حال و آینده یک بخش معین اقتصادی و اجتماعی، در حیطه کار برنامه‌ریزی بخشی است (زیاری، ۱۳۸۸: ۳۲).

نواحی شد که نتیجه آن، شکل‌گیری قطب‌های درجه‌یک (تهران) و قطب‌های رشد درجه‌دو (تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز) بود. تأثیرهای جانبی این قطب‌های رشد بر نواحی پیرامونی‌شان، با توفیق همراه نبود و این قطب‌ها نتوانستند سبب توسعه اقتصادی-اجتماعی نواحی پیرامونی شوند و حتی در بیشتر موارد، تأثیرهای منفی و زیانباری در پی داشتند. این فرایند، نوعی واگرایی و نبود تجانس در ساختار فضایی کشور به‌وجود آورده است که نتیجه آن، الگوی توسعه فضایی مرکز-پیرامون است (قنبری و موسوی، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۷).

روش پژوهش

این پژوهش، از نظر هدف، کاربردی و روش انجام آن، توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، اسنادی-کتابخانه‌ای، مراجعه به سازمان‌ها و مرکز آمار و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، کیفی و کمی است.

روش موریس

برای رتبه‌بندی و تعیین درجه توسعه‌یافتگی، روش‌های گوناگونی موجود است. یکی از روش‌ها، روش شاخص ناموزون موریس است. این روش، هم جدیدترین الگوی رسمی در سطح جهانی است و هم اینکه گسترش و جایگزینی آن در فضاهای مورد برنامه‌ریزی، با مقیاس‌های مختلف و متنوع، قابل اجراست. این روش، با استفاده از روش ضریب محرومیت و با استفاده از فرمول زیر، به تعیین درجه توسعه‌یافتگی مناطق می‌پردازد (کلانتری، ۱۳۸۷: ۱۳۶):

$$xi = \frac{\text{حداقل مقدار } xi - \text{واقعی مقدار } xi}{\text{حداقل مقدار } xi - \text{حداکثر مقدار } xi}$$

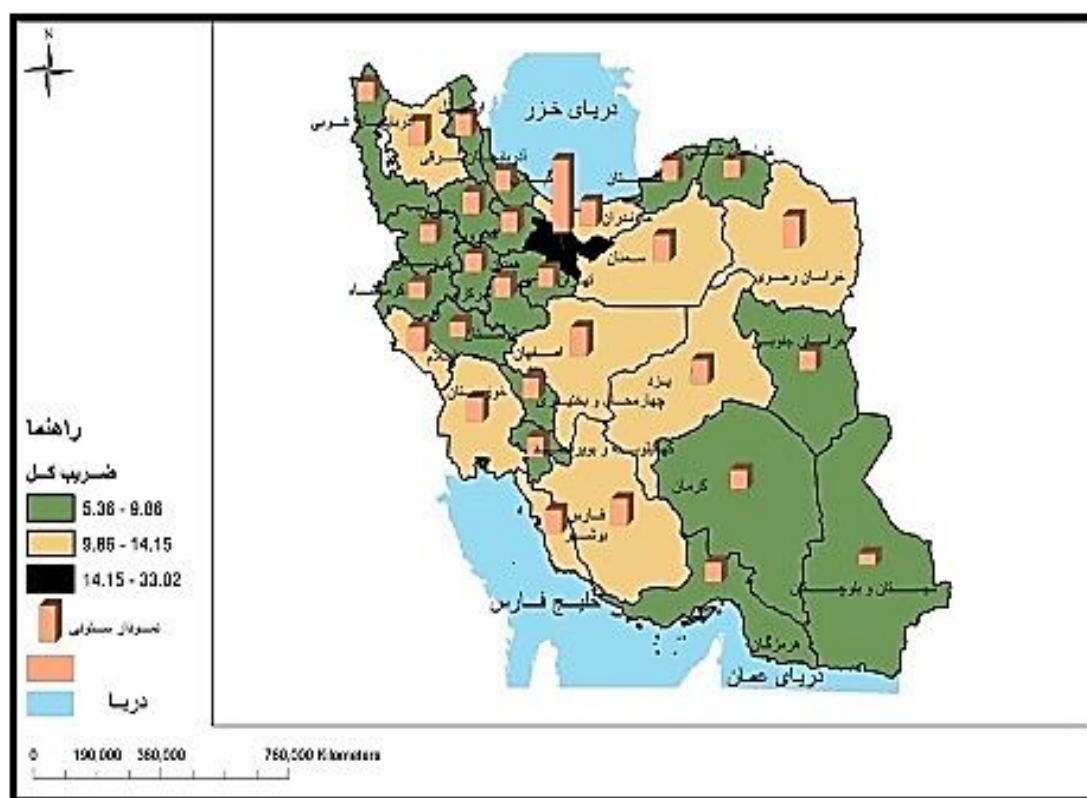
محدوده مکانی پژوهش

محدوده مکانی این پژوهش، تهران است و منظور از تهران، محدوده مجموعه شهری تهران، شامل مجموعه شهرستان‌های مندرج در تصویب‌نامه آن است که همه شهرستان‌های استان تهران و استان البرز فعلی را دربرمی‌گیرد.

بحث و یافته‌ها

بررسی‌ها با استفاده از ۴۰ شاخص در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی-آموزشی، بهداشتی و زیربنایی در سال ۱۳۹۲ در سطوح استانی، به‌خوبی نابرابری و فاصله ایجادشده بین مناطق گوناگون را که حاصل پیروی از مدل مرکز-پیرامون است نشان می‌دهند (اسدزاده، ۱۳۹۲). نتایج این بررسی، تراکم و تمرکز در نقاط مشخصی از کشور را نشان می‌دهد. در بین نقاط گوناگون کشور، استان تهران به‌عنوان برخوردارترین استان کشور، در رتبه اول قرار گرفته است. پس از آن، استان خراسان رضوی، اصفهان، فارس، سمنان، مازندران و آذربایجان شرقی قرار می‌گیرند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که اغلب، همان نقاط قطبی در کشور، رتبه‌های برتر برخورداری را دارند که قطب‌های برگزیده به‌شمار می‌روند و همواره توجه‌های گوناگون را در ابعاد مختلف به سوی خود جلب کرده‌اند. در مقابل، استان‌های همدان، کردستان، خراسان شمالی، کرمانشاه، لرستان و سیستان و بلوچستان، در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند. درنهایت، می‌توان گفت نقاط شهری استان‌های مرکزی کشور، به‌دلیل مرکزیت اداری-سیاسی، مسائل اقتصاد سیاسی، تمرکزگرایی، بخش‌گرایی و امثال آن، در بعضی موارد علی‌رغم نبود توان‌های طبیعی، سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی را به‌خود جذب کرده‌اند؛ بنابراین با این شرایط، نابرابری‌های منطقه‌ای و گسترش روزافزون آن، دور از انتظار نخواهد بود. همچنین نتایج حاصل از

به‌کارگیری روش موریس نشان می‌دهد که در میان مناطق شهری استان‌های ایران، شکاف وجود دارد و این واگرایی، تا حدودی از مدل مرکز- پیرامون پیروی می‌کند. اگرچه استان‌های مرکزی نظیر تهران، اصفهان، سمنان و یزد به دلایل فوق، به‌ویژه مسائل اقتصاد سیاسی توانسته‌اند زیرساخت‌های اقتصادی را به خود جذب کنند، بر محرومیت استان‌های پیرامونی، نظیر سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی و... روزبه‌روز افزوده می‌شود. با وجود آنکه در استان‌های پیرامونی مانند تبریز نیز در گذشته، قطب‌های رشد ایجاد شده است، این قطب‌ها، تأثیرهای انتشاری ضعیفی بر نواحی پیرامونی نظیر استان آذربایجان غربی، اردبیل و کردستان بر جای گذاشته است؛ بنابراین، با وجود تلاش‌ها در جهت ایجاد همگرایی نسبی بین مناطق گوناگون کشور، نابرابری‌های منطقه‌ای همچنان ادامه دارد؛ به‌طوری‌که این امر در برنامه‌های گوناگون توسعه، همواره مد نظر بوده و هست و به‌نوعی، برنامه‌ریزی‌ها را در کشور تحت‌الشعاع قرار داده است، اما با وجود نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور، نمی‌توان به برنامه‌ریزی برای توسعه هماهنگ بین نواحی اقدام کرد؛ چراکه بخش دولتی، به‌علت بعضی ملاحظه‌های سیاسی- اقتصادی یا اقتصادی و بخش خصوصی، بر پایه ملاحظه‌های اقتصادی، کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، نبود یا کمبود محرک‌های اقتصادی و جز آن، در استان‌های محروم سرمایه‌گذاری نمی‌کنند؛ بنابراین، می‌توان گفت که با چنین روند و برنامه‌ریزی‌هایی، کمتر می‌توان به شکوفایی استان‌های محروم دست یافت (قنبری، ۱۳۹۰: ۱۴۴).



نقشه ۱. میزان برخورداری استان‌های کشور از شاخص‌های توسعه

منبع: نگارندگان

به سخن ویلبر تامپسون^۱، در کشورهای درحال توسعه، بعضی از مراکز به نقاط ممتاز و واسط نیروهای خارجی تبدیل شده‌اند و همهٔ امور و حیات اقتصادی کشور را در جهت منافع خود برعهده گرفته‌اند. بدین ترتیب، فضای ملی، دور متروپل اصلی

و چند شهر بزرگ حلقه می‌زند. از آنجاکه مادرشهر، مقر کادر بالای سیاسی و اداری است، تمام فعالیت‌های خدماتی و تولیدی را در خود متمرکز می‌کند. بهره اقتصادی حاصل از این فعالیت‌ها، بر نواحی اطراف تأثیر می‌گذارد. سپس آن‌ها را نیز به تدریج به خود جذب می‌کند و بدین طریق، بازار بزرگی برای صنایع مصرفی خود به وجود می‌آورد. همراه با تمرکز قدرت و فعالیت‌های اقتصادی در متروپل، گروه‌های وابسته به این فعالیت‌ها در آن تجمع می‌کنند. تمرکز کادرهای صنعتی و کارمندان عالی‌رتبه، موجب پیدایش قشر مرفه و ممتازی می‌شود که کنترل تمامی فعالیت‌های تولیدی کشور را به انحصار خود درمی‌آورد. شهر اصلی، مرکز فعالیت و اشتغال مهاجرانی می‌شود که به دلیل پایین بودن سطح تولید و درآمد مناطق کوچک، به سوی این مرکز اصلی تولید رانده می‌شوند. نظریه تامپسون، دقیقاً بر ایران انطباق می‌یابد (رضویان، ۱۳۷۴: ۸۵).

تمرکز فعالیت‌های سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی در تهران، واقعیتی انکارناپذیر است که مسائل و مشکل‌های ناشی از آن بر کسی پوشیده نیست. از دیدگاه جمعیتی کشور، تهران یک رشد استثنایی دارد. در صورتی که نرخ رشد فعلی ادامه یابد، در سال‌های آتی مشکل‌های عظیمی به بار خواهد آمد و نابسامانی‌های عمده‌ای در سطح کشور ایجاد خواهد شد. در این زمینه، برای مقابله با مشکل‌های فوق، بررسی و تعیین و تدوین سیاست‌های عمومی متمرکز نکردن سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به پیچیدگی مسئله، در مورد هر یک از ابعاد تمرکززدایی، آگاهی و شناخت کامل از درجه تمرکز امور مختلف و بافت سازمانی نظام سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی کشور، اهمیت بسیار دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

تمرکزگرایی تهران و عوامل آن

استقرار درازمدت دولت اقتدارگرایی مرکزی در تهران، ساختار سیاسی و اداری متمرکزی را در این شهر پایه‌ریزی کرده است. پیامد طبیعی این شیوه متمرکز - که تصمیم‌گیری در همه شقوق زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را معطوف به اراده و میل نظامی دیوان‌سالار، مقتدر و تمرکزگرا کرده است - جاذبه‌ها و مزیت‌های نسبی فراوانی را در این نقطه کانونی و حوزه‌های پیرامونی آن ایجاد کرده است که نتیجه طبیعی آن، زهکش کردن بخش وسیعی از جمعیت، فعالیت و امکانات اقتصادی و اجتماعی به این محدوده جغرافیایی بوده است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴: ۶۹)؛ به گونه‌ای که اغلب امکانات مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یا در تهران متمرکزند یا از تهران کنترل می‌شوند. مهم‌ترین مزیت‌های حضور در مرکز کشور را می‌توان موارد زیر دانست:

- به دلیل نزدیکی به مراکز قدرت، امنیت سیاسی و اجتماعی بیشتری در مقایسه با سایر مناطق ایجاد می‌کند؛
- به دسترسی و برقراری مجموعه‌ای از روابط با شبکه قدرت منجر می‌شود که در سایر مناطق، برقراری چنین مناسباتی به سادگی امکان‌پذیر نیست؛
- به حضور در سرچشمه قابل تفسیر است که کمترین مزیت آن، بهره‌مندی از امکانات و مزایای اقتصادی است که از مرکز کشور سرچشمه می‌گیرند؛
- دسترسی به تخصص‌ها و فناوری‌های سطوح بالا و امکانات فرهنگی و رفاهی را میسر می‌سازد که به دلایل جاذبه‌های پیش‌گفته، این قابلیت‌ها در این نقطه تمرکز یافته‌اند؛
- دسترسی به بازار را در همه جوانب (مصرف، کار و...)، به شکلی بسیار آسان‌تر از مناطق پیرامونی امکان‌پذیر می‌سازد؛
- این مسئله سبب کسب منزلت مرکز نشینی می‌شود که به لحاظ هنجارهای فرهنگی، برای ساکنان آن، هویتی ویژه ایجاد می‌کند (همان: ۷۰).

بعضی از مهم‌ترین زمینه‌های تمرکزگرایی تهران، در ابعاد زیر بیان شده است:

- تمرکزگرایی سیاسی - اداری - سازمانی

بررسی نظام برنامه‌ریزی کشور، بیانگر آن است که این نظام با توجه به ساختار سیاسی - اداری تمرکزگرای کشور، دوران پرفراز و نشیبی را طی کرده است، اما روند سیاستگذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اجرا، همچنان با همان شیوه متمرکز و غیر مردمی ادامه یافته است (حناچی، ۱۳۸۳: ۷۲). اساساً پس از انقلاب، نهادهای انقلابی در تهران مستقر شدند و بدیهی است قسمت اعظم پرسنل نهادهای مذکور در تهران فعالیت می‌کنند. علاوه بر آن، اداره‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و خصوصی، سهم مهمی در اشتغال در تهران دارند و تشکیلات اداری ایران با ساخت متمرکز خود، از عوامل اصلی تمرکز در تهران است. به نظر می‌رسد ریشه‌ای‌ترین و عمده‌ترین عامل تمرکز در تهران، عامل سیاسی - اداری بوده است. تمرکز تصمیم‌گیری‌ها در تهران، به خودی خود سبب تفویض‌نشدن اختیارات و مسئولیت‌های اجرایی لازم به سایر نقاط کشور شده است. نداشتن اختیارات کافی در مناطق دیگر، موجب ارجاع امور محلی به تهران می‌شود و در واقع، مشکل‌های شهرستان‌ها در تهران حل می‌شود.

در شکل کنونی نظام اداری - اجرایی کشور، ارتباط مردم و دولت بسیار محدود است. نبود مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری، در عامه مردم ایجاد بی‌تفاوتی می‌کند (چاران‌دوب، ۱۳۷۳: ۱۵۶ به نقل از امیریان، ۱۳۸۵). تمرکزگرایی سبب می‌شود مسئولیت‌پذیری و قدرت تصمیم‌گیری کارمندان شهرستانی کاهش یابد و مدیران محلی، حتی در چارچوب اختیارات قانونی خود تصمیم‌گیری نکنند و در نهایت، بوروکراسی اداری متمرکزتر شود. یکی از مهم‌ترین آثار سوء تمرکزگرایی، آثار روانی آن است. کارمندان شهرستانی، افرادی غیر مسئول بار خواهند آمد. افرادی که حتی به خود اجازه نخواهند داد در چارچوب اختیارهای قانونی خود تصمیم‌گیری کنند. آن‌ها به منظور فرار از مسئولیت، برای انجام هر کاری از مافوق خود کسب تکلیف خواهند کرد (پاپلی یزدی، ۱۳۷۲: ۳۳).

این امر سبب شده است تا نظام اداری در تهران بسیار متمرکزتر شود و برای پیشبرد برنامه‌های متمرکز، همواره به سوی فربه‌تر شدن پیش رود. اطلاعات موجود در زمینه تعداد کارکنان ستادی اداره‌ها در تهران، به خوبی گویای مطلب است. در سال‌های اخیر، پیوسته سهم کارکنان دولت در استان تهران و چند استان بزرگ، در مقایسه با سایر استان‌های کشور، در حد بالایی باقی مانده است و بنابراین، فرایند بوروکراسی دولت در تهران گسترش یافته است. تمرکز فعالیت‌های مدیریت و افزایش فعالیت‌های ستادی در تهران، سبب توسعه سازمان‌ها از داخل و به وجود آمدن تمرکز و پیامدهای حاصل می‌شود و زمینه فرار مغزها از شهرستان‌ها و افزایش جمعیت و نیروی فعال و مدیران در تهران را ایجاد می‌کند (طاهری، ۱۳۷۸: ۱۳۴). اینک به بررسی آماری این مطالب می‌پردازیم: تعداد کارکنان دولت بعد از انقلاب، چهار برابر شده است و از ۵۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۷، به ۲ میلیون (۹۹۸،۰۵۲،۲) نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. سهم استان تهران از این رقم، ۴۵۹،۳۷۲ نفر (معادل ۱۸/۱ درصد) است و بالاترین تعداد کارکنان دولت را در میان سایر استان‌ها و مناطق کشور دارد. این در حالی است که سهم استان خراسان رضوی به عنوان دومین استان کشور (از نظر برخورداری از شاخص‌های توسعه) ۱۴۶ هزار نفر است و سهم این استان، حتی به نصف سهم استان تهران هم نمی‌رسد. آمار سال ۱۳۹۰ همچنین نشان می‌دهد که بیشتر کارکنان قانونگذاری، مقامات عالی‌رتبه و مدیران کشور نیز در تهران مشغول به کارند؛ به طوری که از مجموع ۷۴۶ هزار کارکنان این گروه، ۲۰۰ هزار نفر یعنی ۱/۴ کارکنان (۲۶/۸ درصد) در تهران مستقر و مشغول به کارند و این آمار، خود به روشنی گویای تمرکزگرایی سیاسی و اداری در تهران است. علاوه بر این، آمار کارمندان امور اداری و دفتری سال ۱۳۹۰ نیز مصداق دیگری از تمرکز در تهران است؛ به طوری که از ۸۷۳ هزار کارمند اداری کشور، ۲۹ درصد آن‌ها به تهران تعلق دارند. گروه دیگری از عملکردهای سیاسی که در تهران وجود دارند، فعالیت‌های سفارتخانه‌ها و دفاتر نمایندگی‌های بین‌المللی است که با توجه به ویژگی‌های اشاره شده در این شهر استقرار یافته‌اند. براساس اعلام وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر ۹۴ کشور، سفارتخانه یا دفتر نمایندگی

در جمهوری اسلامی ایران دارند که همه آنها در تهران مستقرند.^۱ شایان ذکر است که بعضی از کشورها (۱۲ کشور) به‌ویژه کشورهای همسایه، علاوه بر سفارتخانه، دارای دفاتر کنسولگری در شهرهای دیگر- که ارتباطات بیشتری دارند- نیز هستند. علاوه بر سفارتخانه‌ها، ۲۰ دفتر مربوط به سازمان‌های بین‌المللی و دفاتر وابسته به سازمان ملل متحد در تهران مستقرند.

- تمرکزگرایی جمعیتی

از سه تحول عمده‌ای که موجب شد تا در توزیع جمعیت شهری و نظام شهری، تعادل از میان برود (اصلاحات ارضی، انقلاب ۵۷ و جنگ هشت‌ساله)، تنها یک مورد پیش از انقلاب رخ داد و دو مورد دیگر بعد از انقلاب، موجب تخلیه روستاهای کوچک و جذب آنها در روستاهای بزرگ مجاور شهرها و خود شهرها شد. مهاجرت اجباری ناشی از جنگ تحمیلی نیز موجب جابه‌جایی جمعیت از مناطق غرب و جنوب غرب کشور به سایر نقاط شد که بخش عمده‌ای از آنها در شهرها و همچنین تهران استقرار یافتند (موسوی و گنجیان، ۱۳۸۲: ۲۱۲).

به این ترتیب، تهران به‌عنوان بزرگ‌ترین کلان‌شهر و مرکز سیاسی و اقتصادی کشور، انبوهی از جمعیت کنده‌شده از روستاها و شهرهای کوچک را در خود جای داد. به‌گونه‌ای که امروزه تمرکز و تراکم جمعیت تهران به اندازه‌ای است که امکانات محدود، ناقص و ناکافی موجود شهری، به‌شدت زیر فشار قرار گرفته است و هرروز از گستره پاسخ‌دهی آن به نیازهای حجم انبوه و فزاینده جمعیت در زمینه‌های گوناگون کاسته می‌شود. با بررسی و مطالعه مراحل عمده و ویژگی‌های تغییر نقش ملی پایتخت می‌توان گفت که روند رشد جمعیت با یکپارچگی و تمرکزگرایی سیاسی- اداری طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ و تمرکز صنعتی- خدماتی طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ آغاز و تشدید شد. بروز جنگ تحمیلی و رکود اقتصادی، از مهم‌ترین عوامل رشد جمعیت در تهران بوده است. با پایان یافتن جنگ و برون‌رفت از رکود اقتصادی و احیای تهران بر محور ساخت‌وساز در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۰، علی‌رغم توجه به تمرکززدایی اداری- سیاسی، با افزایش اختیارهای استان‌ها و تمرکززدایی خدمات، بحران‌های شهری تهران (رشد جمعیت و کمبود خدمات، تداخل نامناسب سکونت و فعالیت، ترافیک، مخاطرات زلزله و...) تشدید شد. رهاسازی تولید و عرضه مسکن، استقرار نادرست و پراکنده کارگاه‌ها، اتکا به خودرو شخصی، غفلت از کیفیت و ایمنی ساختمان و به‌طور کلی، نبود سیاست و طرح مؤثر برای هدایت و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های تهران، از جمله عوامل این بحران‌ها بودند (حسن بخشان، ۱۳۸۹: ۱۹۴). همان‌گونه که گفته شد، عامل اساسی در رشد جمعیت، در دوره مورد بررسی، تمرکزگرایی سیاسی- اداری و تمرکز صنعتی- خدماتی بوده است و در دهه اول و دوم انقلاب، نبود سیاست و طرح مؤثر برای هدایت و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های تهران، پیامدهای منفی را تشدید کرده است. پس از تشدید روند تمرکزگرایی در سطح ملی تا دهه چهل شمسی، سیاست‌های تمرکززدایی از تهران در سطح ملی اتخاذ شد که با موفقیت نسبی نیز همراه بود. استان تهران از نظر جمعیتی، چهار ویژگی عمده دارد:

۱. تمرکز فزاینده جمعیت در آن، به‌رغم فراز و فرودهای مقطعی؛ ۲. مهاجرپذیرتر بودن آن در مقایسه با استان‌های دیگر؛ ۳. داشتن نسبت شهرنشینی بالاتر و متراکم‌تر نسبت به استان‌های دیگر؛ ۴. متأثر بودن از قرارگیری مرکزیت اداری و سیاسی کشور در آن (زنجانی، ۱۳۸۸: مقدمه).

براساس اطلاعات سرشماری سال‌های مختلف (۱۳۵۵-۱۳۹۰)، جمعیت استان تهران طی دهه‌های اخیر از ۵/۳ میلیون نفر به بیش از ۱۲/۱ میلیون نفر رسیده است. متوسط نرخ رشد جمعیت استان طی دوره یادشده ۳/۱۳ درصد برآورد می‌شود.

در مقابل، جمعیت کشور با نرخ رشدی معادل ۲/۴۹ درصد از ۴۹/۴ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۷۵/۱ میلیون در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در دهه‌های اخیر، روند رشد جمعیت ثابت بیشتری یافته است و کاهش قابل توجهی نسبت به دهه ۱۳۵۵-۱۳۵۶ داشته است. بررسی روند افزایش جمعیت استان در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۰ نشان می‌دهد متوسط رشد جمعیت آن همواره بیش از متوسط کشور بوده است. نرخ متوسط رشد سالیانه استان و کشور، در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. تغییرهای حجم جمعیت استان تهران و کل کشور در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

شرح	استان تهران				کشور			
	تعداد جمعیت	تغییرهای جمعیت	درصد تغییر	متوسط رشد	سهم از تغییرهای جمعیت کشور به درصد	میزان جمعیت	تغییرهای جمعیت	متوسط رشد به درصد
۱۳۵۵	۵,۳۳۱,۱۶۶	-	-	-	-	۴۹,۴۴۵,۰۱۰	-	-
۱۳۶۵	۸,۰۹۵,۱۷۴	۲,۷۶۴,۰۰۸	۵۱/۸۵	۴/۲۷	۱۷/۵۶	۸۳۷,۵۵,۱۶۳	۲۶۶,۷۳۶,۱۵	۳/۹۱
۱۳۷۵	۱۰,۳۴۳,۹۶۵	۲,۲۴۸,۷۹۱	۲۷/۷۸	۲/۴۸	۲۱/۱۹	۴۸۸,۰۵۵,۶۰	۱۰,۴۷۸,۶۱۰	۱/۹۶
۱۳۸۵	۱۳,۴۲۲,۳۶۶	۳,۰۷۸,۴۰۱	۲۹/۷۶	۲/۶۴	۲۹/۵۵	۷۸۲,۴۹۵,۷۰	۱۰,۴۴۰,۲۹۴	۱/۶۲
۱۳۹۰	۱۲,۱۸۳,۳۹۱	۱,۲۳۸,۹۷۵	۹۰/۷۶	۱/۴۴	۲۶/۶۲	۶۶۹,۱۴۹,۷۵	۴,۶۵۳,۸۸۷	۱/۲۹

منبع: سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ از معاونت برنامه‌ریزی استانداری، ۱۳۸۸

بررسی روند مربوط به نسبت جمعیت کل تهران به کل کشور نشان می‌دهد که این روند، همواره افزایشی بوده است. این نسبت در سال ۱۳۵۵ برابر ۱۵/۸۲ درصد بوده است که در سال ۱۳۹۰، به حدود ۲۰ درصد رسیده است. در این میان، نسبت جمعیت شهری استان به کشور نشان می‌دهد که این نسبت که در سال ۱۳۵۵ برابر ۲۸/۵۷ درصد بوده است، با یک روند ملایم کاهش، در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب به ۲۶/۰۵ و ۲۴/۲۱ درصد رسیده است. این نسبت در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ دوباره روبه‌افزایش نهاد و به ۲۵/۴ درصد رسید. سپس با رشد بیشتر در سال ۱۳۹۰ به ۲۵/۹ درصد رسیده است. از جمله مؤلفه‌ها و پدیده‌های مهم جمعیت‌شناختی که در تحلیل جنبه‌های گوناگون جمعیت به کار می‌آید، مهاجرت است. بررسی آمارهای مربوط به مهاجران واردشده به استان، طی ۱۰ سال پیش، از سرشماری‌های سه دهه گذشته و مقایسه آن با میانگین کشوری نشان می‌دهد که تهران در دوره مورد بررسی، همواره از مهاجرپذیرترین استان‌های کشور بوده است. بررسی رشد بالای جمعیت استان تهران، نشان‌دهنده مهاجرپذیری خالص این استان در چند دهه گذشته است. بررسی تعداد مهاجران واردشده به استان تهران از سایر استان‌ها و مهاجران خارج‌شده از استان تهران به سایر استان‌ها و تفاضل حاصل از آن نیز مهاجرپذیری خالص استان تهران در سه دهه گذشته را به وضوح نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، خالص مهاجرت استان تهران در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵، مثبت ۹۶۶,۴۷۵ نفر، در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ مثبت ۳۸۳,۳۵۰ نفر و در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ مثبت ۹۳۳,۵۰۲ نفر بوده است (رضوانی، ۱۳۸۶: ۹). به عبارت دیگر، درصد مهاجران واردشده به استان تهران، در فاصله سال‌های ۷۵ تا ۸۵، ۳۰/۱۵ درصد بوده است و در مقابل، مهاجران خارج‌شده، سهمی ۱۷/۲۳ درصدی داشته‌اند. بدین ترتیب، خالص مهاجرت استان ۴/۶۰ درصد به جمعیت استان بوده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵).

جدول ۲. مهاجران واردشده، مهاجران خارج‌شده و خالص مهاجرت در استان تهران در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵

دوره	مهاجران واردشده	مهاجران خارج‌شده	خالص مهاجرت
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۴۱,۹۴۰	۲۶۵,۹۴۴	۴۷۵,۹۶۶
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۸۳۷,۳۷۰	۴۸۶,۹۸۷	۳۵۰,۳۸۳
۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱,۴۳۸,۴۰۶	۹۳۵,۴۷۳	۵۰۲,۹۳۳

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵

- تمرکزگرایی اجتماعی

تمرکز بخش‌های اجتماعی، به تدریج و طی شش دهه گذشته، در پایتخت کشور شرایطی را به وجود آورده است که از یک سو بازتاب‌دهنده تفاوت‌های معنادار اجتماعی تهران با سایر نقاط کشور است و از سوی دیگر، در جابه‌جایی و جذب جمعیت از سراسر کشور تأثیرگذار بوده است (مدنی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). در این میان، نقش امکانات مادی و معنوی بخش‌های اجتماعی، هم بر تغییر و هم بر تحول اجتماعی بسیار شایان توجه است. پس بایسته است وضعیت موجود این امکان‌ها را یک‌به‌یک بررسی کنیم و نگاهی هرچند اجمالی به روند تحول‌های آن بیندازیم. در مورد مراکز آموزش عالی باید گفت استان تهران با دربرداشتن ۳۴ دانشگاه (شامل دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، وزارت بهداشت، سایر وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌های غیر دولتی) و ۱۵/۸ درصد دانشجویان در سطوح مختلف تحصیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، یکی از کانون‌های مهم آموزش عالی کشور به‌شمار می‌رود. نکته دیگر اینکه در استان تهران، تراکم مراکز علمی و تحقیقاتی وجود دارد که این امر تهران را به مرکزی برای فعالیت‌های پژوهشی تبدیل کرده است. نسبت برخورداری از هیئت علمی در تهران، ۲۱/۷ درصد است. مراکز آموزش عالی تهران، ۴۷ درصد از استادان کشور، همچنین ۴۰/۸ درصد از دانشیاران، ۲۹/۳ درصد از استادیاران، ۱۵/۴۱ درصد از مربیان و ۶/۷ درصد از آموزشیاران کل دانشگاه‌های کشور را به خود اختصاص داده‌اند. نسبت برخورداری‌ها، نشان‌دهنده کیفیت بالای کادر آموزشی و به تبع آن، افزایش تمایل دانشجویان به ادامه تحصیل در دانشگاه‌های تهران است و این امر بر تمرکز و مهاجرت جمعیتی تأثیرگذار است. در حال، نسبت‌های بالای ۴۰ درصدی کارکنان آموزشی در رده‌های استاد و دانشیار در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی (سراسری) و دانشگاه آزاد اسلامی استان به کل کشور، بیانگر تمرکز بیش از حد این مهم‌ترین رده‌هاست.

جدول ۳. آموزشگران دانشگاهی (کادر آموزشی) تمام‌وقت و پاره‌وقت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و دانشگاه آزاد برحسب مرتبه علمی در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱

کارکنان هیئت علمی						
شرح	جمع	استاد	دانشیار	استادیار	مربی	مربی آموزشیار
کشور	۱۱۸/۵۸۸	۳/۵۵۹	۷/۵۶۷	۳۴/۹۴۵	۶۷/۶۳۰	۴/۸۸۷
درصد	۱۰۰	۳	۶/۳	۲۹/۴	۵۷	۴/۱
تهران	۲۵/۷۸۲	۱/۶۷۴	۳/۰۹۴	۱۰/۲۴۸	۱۰/۴۳۵	۳۳۱
درصد	۱۰۰	۶/۴	۱۲	۳۹/۷	۴۰/۴	۱/۲
نسبت تهران به کشور (به درصد)	۲۱/۷	۴۷	۴۰/۸	۲۹/۳	۱۵/۴	۶/۷

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۹۰

- گزیده آمار و شاخص‌های بهداشتی و درمانی

در تهران، حدود ۱۴۵ بیمارستان بزرگ و کوچک وجود دارد که خود این رقم، نمایانگر تمرکز درمانی در تهران است. درصد بالایی از ترافیک تهران برای رفع مشکل‌های دیگر نقاط کشور است. بیشتر مراجعان بیمارستان‌ها و مطب‌های خصوصی، از دیگر نقاط کشور به تهران می‌آیند و این تمرکز، خود بار سنگینی بر تأسیسات تهران است (خلیلی عراقی، ۱۳۶۷: ۸۱). با نگاه به جمعیت کل کشور و استان تهران در سال ۱۳۹۰، در تهران برای هر ۱۰،۰۰۰ نفر، نزدیک به چهار (۳/۹۹) پزشک وجود داشته است؛ در حالی که نسبت مشابه در سطح کشور، بیش از چهار (۴/۳۲) نفر بوده است. این تفاوت، در نسبت پیراپزشکان به جمعیت نیز به مراتب بیشتر است. به گونه‌ای که در سطح کشور، برای هر ۱۰،۰۰۰ نفر، ۲۹ پیراپزشک وجود داشته است؛ در حالی که نسبت مشابه در تهران، ۱۹ پیراپزشک بوده است و این در شرایطی است که پایتخت کشور، به دلیل کارکردهای ملی - منطقه‌ای خود، پذیرای انبوهی از بیماران از سراسر کشور است. بررسی جدول این بخش نشان می‌دهد که در سطح کشور، پزشکان عمومی، بالاترین سهم (۴۵/۸ درصد) را دارند، اما در سطح استان تهران، این پزشکان متخصص هستند که بیشترین سهم (۴۶/۱ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین نسبت‌های استان به کشور در این زمینه نیز بیانگر آن است که بیش از ۱۸ درصد پزشکان متخصص کشور، در استان تهران متمرکز شده‌اند. در زمینه داروسازی نیز این نسبت به مراتب بیشتر و ۲۴/۴ درصد است. سایر داده‌های آماری مربوط به این بخش نشان می‌دهد که نزدیک به ۲۶ درصد تخت‌های بیمارستانی، بیش از ۱۸ درصد پزشکان متخصص، ۱۹ درصد از مؤسسه‌های درمانی، بیش از ۲۸ درصد از مراکز پرتونگاری، ۱۹ درصد از داروخانه‌ها، ۱۲ درصد از مراکز توان‌بخشی، ۱۴ درصد از آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی، بیش از ۲۴ درصد داروسازان و ۱۵ درصد از دندانپزشکان کشور در تهران استقرار یافته‌اند.

جدول ۴. پزشکان شاغل در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی استان تهران و کشور در سال ۱۳۹۰

شرح	جمع کل	پزشک عمومی	پزشک متخصص	دندانپزشک	داروساز	دامپزشک
کشور	۳۲/۴۹۳	۱۴/۹۰۱	۱۲/۲۲۱	۳/۶۲۵	۱/۷۳۱	۱۵
	۱۰۰	۴۵/۸	۳۷/۶	۱۱/۱	۵/۳	۰۴/۰
تهران	۴/۸۶۴	۱/۲۴۸	۲/۲۴۵	۵۷۱	۴۲۳	۳
	۱۰۰	۲۵/۶	۴۶/۱	۱۱/۷	۸/۶	۰/۰۶
نسبت تهران به کشور (به درصد)	۱۴/۹	۸/۳	۱۸/۳	۱۵/۷	۲۴/۴	۲۰

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۹۰

- تمرکزگرایی فرهنگی

بر کسی پوشیده نیست که تمرکز امکانات و کارهای فرهنگی و هنری در کلان‌شهر تهران، دست کم در پنج دهه گذشته، از جمله عوامل مهم جذب جمعیت، به‌ویژه جمعیت جوان از طبقه متوسط جامعه و دوستداران کارهای فرهنگی و هنری از گستره کشور بوده است. از این‌رو، تمرکز یادشده در پایتخت کشور، شرایطی را به‌وجود آورد که از یک‌سو بازتاب‌دهنده تفاوت‌های معنادر فرهنگی - هنری این کلان‌شهر با سایر شهرها، به‌ویژه شهرهای متوسط و کوچک کشور بوده است و از سوی دیگر، زمینه‌ساز چالش‌های گوناگون فرهنگی شده است. یکی از عملکردهایی که جنبه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دارد و معمولاً با مقیاس فرااستانی دیده می‌شود، فعالیت‌های رسانه‌ای شامل خبرگزاری‌ها، مطبوعات و انتشارات است. بخش عمده‌ای از این فعالیت‌های ملی، در تهران به‌وقوع می‌پیوندد. در حال حاضر، در کشور ۲۴ خبرگزاری رسمی و تعداد بسیار زیادی سایت‌های خبری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی، خانوادگی و... فعالیت می‌کنند که دفتر مرکزی اغلب آن‌ها در تهران قرار دارد. همچنین براساس اطلاعات دریافتی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۲۶ خبرگزاری و رسانه خارجی در ایران دفتر نمایندگی دارند که محل دفاتر آن‌ها نیز در تهران است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نزدیک به ۵۴ درصد از مطبوعات کشور در استان تهران، تدوین می‌شوند و انتشار می‌یابند. این نسبت در مورد مطبوعات دولتی و مؤسسه‌هایی که مطبوعات منتشر می‌کنند، بیشتر است و به بیش از ۶۰ درصد می‌رسد. نسبت ۵۳/۸ درصدی تعداد مطبوعات استان به کل کشور، تمرکز بیش از اندازه مطبوعات در استان و به‌ویژه کلان‌شهر تهران را نشان می‌دهد. در این بین، نسبت ۶۱/۱ درصدی سازمان‌های دولتی، با درصدی بالا نشان از تمرکز وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی در تهران دارد که تعداد شایان توجهی از مطبوعات و نشریه‌ها به‌وسیله آن‌ها چاپ و منتشر می‌شود.

جدول ۵. تعداد مطبوعات در سطح کشور و تهران برحسب انواع صاحبان امتیاز در سال ۱۳۹۰

شرح	جمع	اشخاص حقیقی	سازمان‌های دولتی	مؤسسه‌های غیر دولتی
کشور	۴/۸۹۹	۲/۶۴۹	۱/۰۷۵	۱/۱۷۵
	۱۰۰	۵۴	۲۱/۹	۲۳/۹
تهران	۲/۶۴۰	۱/۲۰۳	۶۵۷	۷۸۰
	۱۰۰	۴۵/۵	۲۴/۸	۲۹/۵
نسبت تهران به کشور (به درصد)	۵۳/۸	۴۵/۴	۶۱/۱	۶۶/۳

منبع: سالنامه آماری ۱۳۹۰

مؤسسه‌های غیردولتی و اشخاص حقیقی نیز به ترتیب ۶۶/۳ و ۴۵/۴ درصد از سهم مطبوعاتی را به خود اختصاص داده‌اند. تمرکز عناوین کتب منتشرشده در استان تهران، از تمرکز مطبوعات بیشتر است. به طوری که در جدول ۶ مشهود است، در سال ۱۳۹۰، از ۷۷۲،۶۸ عنوان کتاب منتشرشده، ۶۶۴،۵۱ عنوان آن (۶۵/۱ درصد کل) در استان تهران منتشر شده است. این سهم استان تهران، به تفکیک موارد تألیف و ترجمه، تفاوت شایان ملاحظه‌ای را نشان نمی‌دهد. این اطلاعات نیز نقش بلامنازع استان تهران در عملکرد چاپ و نشر را نشان می‌دهد.

جدول ۶. تعداد عناوین کتاب‌های منتشرشده در سطح کشور و تهران برحسب تألیف و ترجمه در سال ۱۳۹۰

شرح	جمع	تألیف	ترجمه
کشور	۶۵/۷۲۲	۴۶/۳۱۳	۲۲/۴۵۹
تهران	۵۱/۶۶۴	۳۳/۷۲۱	۱۷/۹۴۳
نسبت تهران به کشور (به درصد)	۶۵/۱	۶۵/۲	۳۴/۷
		۷۲/۸	۷۹/۸

منبع: سالنامه آماری ۱۳۹۰

همچنین استان تهران، با داشتن مکان‌های ورزشی بیشتر نسبت به سایر نقاط کشور مانند ورزشگاه‌ها، باشگاه‌های ورزشی و بدنسازی و استخرها جایگاه ویژه‌ای دارد. تقریباً نزدیک به ۱۰۰ درصد مسابقات ورزشی، در استان تهران و به‌ویژه شهر تهران برگزار می‌شود. مجموعه ورزشی بین‌المللی آزادی، یکی از سرمایه‌های بزرگ استان است. همچنین با داشتن کتابخانه ملی و نیز کتابخانه‌های متعدد تخصصی سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها، کتابخانه‌های عمومی و کانون‌های پرورش فکری، اماکن مذهبی و نیز تعداد بیشتری از سالن‌های سینما نسبت به دیگر نقاط کشور، از فرصت‌های مناسبی در زمینه خدمات فرهنگی بهره‌مند است.

- تمرکزگرایی زیربنایی

تهران در آغاز قرن، فقط پایتخت سیاسی بود، اما به سرعت پایتخت اقتصادی و فرهنگی ایران جدید نیز شد. به طور کلی، ساخت اداری- سیاسی و عملکرد اقتصادی- اجتماعی کشور، حتی سبب شده است تا شبکه‌های ارتباطی به‌صورتی متمرکز و غیر متعادل، به چند شهر بزرگ کشور به‌ویژه به تهران ختم شوند یا از آن منشعب شوند (آشایش، ۱۳۶۷: ۱۷۶). تهران، بالاترین میزان تراکم راه‌های کشور را دارد؛ زیرا محل تلاقی و گره ارتباطی راه‌های کشور به‌شمار می‌رود. از سویی جهت ایفای نقش خود، زیرساخت‌های میان‌شهری گوناگونی چون دو فرودگاه بین‌المللی کالا و مسافربری مهرآباد (داخلی) و امام خمینی (خارجی) و فرودگاه حمل بار و پست پیام کرج، چهار پایانه مسافربری شرق، غرب، میدان آرژانتین و جنوب، ایستگاه اتصال خطوط راه‌آهن سراسری کشور و خطوط راه‌آهن تهران- اروپا را در خود فراهم کرده است. سایر آمار مهم ارتباطی تهران در مقایسه با کشور در سال ۱۳۹۰ عبارتند از:

- ۲۳/۴ درصد از کل مسافرت‌های کشور، بالاترین وزن بار جابه‌جاشده (ورودی و خروجی) از طریق وسایل نقلیه باری جاده‌ای کشور، بالاترین سهم پروازی در میان مناطق مختلف کشور، بیشترین پروازهای بین‌المللی و بیش از ۹۷ درصد شرکت‌های بین‌المللی حمل‌ونقل، در تهران ثبت شده است (مدنی، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

- براساس آمار، استان تهران ۶۷/۲ درصد از انبارها و ۷ درصد از سردخانه‌های کل کشور را در اختیار دارد. وجود این تعداد انبار در استان، به‌خوبی نشان‌دهنده نقش مسلط این استان در عرضه خدمات ملی در این زمینه است.

- تهران سهم بسزایی در صادر و واردکردن بسته‌های پستی به داخل و خارج از کشور دارد و این عامل، خود یکی دیگر

از نشانه‌های تمرکزگرایی در تهران است؛ چراکه حجم بالای تمرکز اداری و سازمانی در تهران، این نتیجه را رقم زده است؛ به‌گونه‌ای که ۴۲ درصد از بسته‌های پستی داخل کشور، از طریق تهران صورت گرفته است و بسته‌های پستی مربوط به خارج کشور، چه واردات و چه صادرات آن‌ها را تهران برعهده دارد و سهمی بالای ۷۰ درصد در هر دو زمینه را به‌خود اختصاص داده است.

بعد دیگری که وضعیت زیرساختی تهران و جایگاه آن در سطح ملی را بازگو می‌کند، موضوع امکانات زیرساختی مربوط به بخش انرژی است که چگونگی آن در مصارف این بخش دیده می‌شود.

✓ سهم تهران از مشترکان برق کشور در سال ۱۳۹۰، ۲۳/۴ درصد (حدود ۱/۴) است و مشترکان بخش تجاری-عمومی تهران، بیشترین مصرف‌کنندگان برق کشور با ۳۹/۳ درصد هستند. این میزان، گویای تعداد بالای مشاغل تجاری تهران و توجهی است که به این قطب کشور شده است.

استان تهران، اگرچه منابع و معادن نفت و گاز ندارد، به‌دلیل مرکزیت کشور و تمرکز بالای سکونتگاهی و مراکز فعالیت، یکی از بهره‌مندترین استان‌های کشور، در دسترسی به انواع شبکه‌های انتقال و توزیع انرژی فسیلی است. وجود پالایشگاه تهران به‌عنوان دومین پالایشگاه احداثی کشور (پس از پالایشگاه آبادان)، در زمینه تولید بعضی از مهم‌ترین فرآورده‌های نفتی کشور نیز استان تهران را از اهمیت ویژه‌ای بهره‌مند ساخته است. ۲۲/۸ درصد بنزین کشور، در تهران به مصرف می‌رسد که این سهم، به‌دلیل تراکم وسایل نقلیه موتوری در سطح استان تهران است. بررسی وضعیت مصرف‌کنندگان گاز در بخش‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی استان تهران در مقایسه با کشور بیانگر آن است که بیش از ۱۸ درصد از مصرف‌کنندگان بخش خانگی، ۲۳ درصد از مصرف‌کنندگان بخش تجاری عمومی و نزدیک ۲۵ درصد مصرف‌کنندگان از بخش صنعتی کشور در این استان از گاز استفاده می‌کنند.

- تمرکزگرایی اقتصادی

استقرار پایتخت سیاسی در یک مرکز شهری، به‌طور طبیعی، طیف وسیعی از عملکردهای سیاسی با مقیاس‌های ملی و بین‌المللی را به مجموعه عملکردهای شهر می‌افزاید. در بسیاری از کشورها- به‌ویژه کشورهایی که اقتصاد آن‌ها عمدتاً متکی بر منابع در اختیار دولت است- تمرکز و تجمع فعالیت‌های اقتصادی نیز در مقر حکومت، یعنی پایتخت سیاسی روی می‌دهد و موجب پیدایش پدیده‌ای با عنوان پایتخت اقتصادی و استقرار آن در همان مقر حکومتی می‌شود. این پدیده خود موجب افزایش جمعیت می‌شود و به دنبال آن، زمینه استقرار بخش وسیعی از عملکردهای اجتماعی و فرهنگی- که عمدتاً از طریق بودجه‌های دولتی تغذیه می‌شوند- در پایتخت را به‌وجود می‌آورد (مدنی، ۱۳۸۹: ۱۲).

استان تهران، یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی کشور را در اختیار دارد. کالبدشکافی اقتصادی استان تهران نشان می‌دهد که بخش خدمات، مهم‌ترین بخش اقتصادی استان است و صنعت در رده بعدی قرار دارد.

جدول ۷. ترکیب درصد اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی در تهران ۱۳۵۵-۱۳۹۰

تهران (درصد)					بخش‌های اقتصادی
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	
۲/۱۶	۳/۳	۰/۶۶	۰/۹	۰/۹	کشاورزی
۲۱/۴۴	۳۳/۸	۳۶/۰۴	۲۶/۶	۳۲/۸	صنعت
۷۶/۴	۶۲/۹	۶۳/۳	۷۲/۵	۶۶/۳	خدمات
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

رشد و توسعه اقتصادی مناطق کشور، یکی از مهم‌ترین مباحث اقتصاد منطقه‌ای در دهه‌های اخیر محسوب می‌شود. به‌نحوی که به رشد و توسعه مناطق به‌عنوان یکی از اهداف مهم دولت‌ها توجه شده است. تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن، مهم‌ترین شاخص نشان‌دهنده میزان فعالیت‌های اقتصادی یک منطقه است. بررسی روند رشد تولید ناخالص داخلی استان به قیمت ثابت نشان می‌دهد که رشد متوسط سالانه تولید ناخالص داخلی، طی دوره مورد نظر در استان تهران، ۷/۲ درصد و در کشور ۵/۴ درصد است. از آنجاکه رشد جمعیت کشور و استان در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به ترتیب ۱/۶ و ۲/۶ درصد بوده و میانگین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشور در این دوره، به ترتیب ۵/۵ و ۷/۲ درصد بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که اولاً تولید ناخالص داخلی سرانه در استان و کشور افزایش یافته است؛ دوم اینکه تولید ناخالص داخلی سرانه در استان، سریع‌تر از کشور بهبود یافته است (استانداری تهران (GDP)، ۱۳۸۸: ۸).

شایان توجه اینکه سهم استان از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور به قیمت‌های ثابت و جاری، حکایت از تمرکز مکانی بخش بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی در منطقه تهران دارد. تداوم این وضع، با توجه به مشکل‌های زیست‌محیطی در دو شهر عمده مجموعه شهری یعنی تهران و کرج و تخریب شدید منابع طبیعی در سطح استان و عقب‌ماندگی مناطق بزرگی از کشور زیانبار خواهد بود و لازم است از دید آمایشی و سیاست‌های توسعه منطقه‌ای، هرچه سریع‌تر در این زمینه چاره‌اندیشی شود.

استان تهران با متوسط سهم ۲۰/۱ درصد بخش صنعت و معدن و متوسط سهم ۳۸/۶ درصدی در بخش خدمات، بیشترین سهم در ارزش افزوده کشور را به خود اختصاص داده است. این مقادیر نشان می‌دهد که حجم و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در استان تهران، بالاتر از استان‌های دیگر است (همان: ۸).

جدول ۸. تولید ناخالص داخلی تهران و کشور و رشد و سهم آن نسبت به کشور در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ (میلیارد ریال)

شرح	۱۳۸۰	۱۳۸۵
تولید ناخالص داخلی تهران	۱۰۱/۹۱۲	۱۵۴/۴۱۷
تولید ناخالص داخلی کشور	۳۶۶/۵۲۴	۵۲۱/۰۵۴
رشد تولید ناخالص داخلی تهران	۱۰/۱	۹/۶
رشد تولید ناخالص داخلی کشور	۵/۵	۴/۸
سهم تهران از GDP کشور به قیمت ثابت	۲۷/۸	۲۹/۶
سهم تهران از GDP کشور به قیمت جاری	۲۶/۲	۲۴/۵

منبع: استانداری تهران، ۱۳۸۸

جدول ۹. سهم بخش‌های عمده اقتصادی استان تهران از کشور در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ به قیمت ثابت

شرح	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۴	۱۳۸۵
سهم استان در بخش کشاورزی	۵/۱	۴/۹	۴/۸	۵/۶
سهم استان در بخش صنعت و معدن	۱۷/۱	۱۸/۸	۲۰/۷	۲۱/۲
سهم استان در بخش خدمات	۳۷/۱	۳۷/۷	۳۸/۷	۴۰/۲

منبع: استانداری تهران، ۱۳۸۸

بررسی سهم ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی استان از کل ارزش افزوده تولیدشده در بخش‌های عمده اقتصادی کشور، روند افزایشی سهم استان در بخش‌های صنعت و خدمات را نشان می‌دهد که نشانه‌ای از گرایش خدماتی-صنعتی استان است (همان: ۱۱). ارزش افزوده تولیدشده در بخش صنعت و معدن استان تهران، به‌طور میانگین ۲۰/۴ درصد از ارزش افزوده این بخش در کشور را تشکیل می‌دهد. سهم این بخش از ارزش افزوده آن در سطح کشور، روند صعودی طی کرده و از ۱۷/۱ درصد در سال ۱۳۷۹، به ۲۱/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. سهم استان در بخش خدمات در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵، از ۳۷/۱ درصد به ۴۰/۲ درصد افزایش یافته است. بررسی سهم استان در این

بخش، بیانگر این موضوع است که در دهه اخیر، بخش خدمات و زیربخش‌های آن، اهمیت روزافزونی در استان تهران پیدا کرده است. موقعیت خاص شهر تهران به‌عنوان پایتخت سیاسی کشور و تمرکز امکانات و زیرساخت‌های لازم برای ارائه خدمات ملی و فراملی در آن، موجب گسترش بخش خدمات شده است؛ به‌طوری‌که حدود یک‌سوم ارزش افزوده این بخش، در استان تهران ایجاد می‌شود (همان: ۱۳). به‌طور کلی می‌توان گفت در سال‌های اخیر، مهم‌ترین بخش اقتصادی تهران، خدمات بوده است که سهمی حدود ۷۵ درصد، یعنی بیشترین سهم از محصول ناخالص داخلی استان را به خود اختصاص داده است. در مجموع، در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵، کشاورزی با حدود ۲ درصد سهم در ارزش افزوده، وضعیت نسبتاً پایدار با سهم بسیار اندک در تولید ناخالص داخلی استان را داشته است. صنعت در این دوره، با رسیدن از سهم ۱۷/۸ درصد به ۱۹/۲ درصد توانسته است سهم خود را از محصول ناخالص داخلی استان افزایش دهد. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد کل GDP استان، در بخش‌های خدمات و صنعت متمرکز شده است که بیانگر تمرکز شدید در فعالیت‌های اقتصادی این بخش‌ها به‌ویژه بخش خدمات در سطح استان است.

▪ **خدمات:** سهم این بخش از کل ارزش افزوده در استان، همواره بالاتر از سطح کشور بوده است. خدمات و فعالیت‌های مربوط به آن، بیش از ۷۵ درصد از تولید ناخالص داخلی استان را به خود اختصاص داده است. سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی کشور در این دوره، به‌طور متوسط حدود ۵۴ درصد و در تولید ناخالص داخلی استان به‌طور متوسط، حدود ۷۴ درصد بوده است که بیانگر تمرکز شدید فعالیت‌های خدماتی در استان است. مقایسه تعداد شاغلان بخش خدمات استان تهران با کل کشور نشان می‌دهد در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، سهم شاغلان استان تهران، از کل شاغلان بخش خدمات در سطح کشور، ۱/۳ درصد بیشتر شده است؛ یعنی از ۲۵ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۲۶/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است و تعداد شاغلان این بخش در استان، بین سال‌های فوق‌الذکر، ۴/۸ درصد رشد داشته است.

جدول ۱۰. تعداد و سهم شاغلان خدماتی استان تهران به کل کشور در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

سال	تعداد شاغلان بخش خدمات کشور	شاغلان بخش خدمات استان تهران	سهم استان تهران از کل شاغلان بخش خدمات کشور	سهم شاغلان خدماتی به کل اشتغال استان
۱۳۷۵	۶,۵۲۱,۳۸۸	۱,۹۶۹,۵۹۷	۲۵	۶۱/۹
۱۳۸۵	۹,۴۶۷,۷۶۴	۲,۳۷۴,۵۷۶	۲۶/۳	۶۲/۴

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

بررسی تعداد کارگاه‌ها و شاغلان فعالیت‌های خدماتی استان تهران نسبت به کل کشور، نشان‌دهنده این نکته است که بخش خدمات استان تهران، در حدود ۲۰ درصد کارگاه‌های خدماتی را در اختیار دارد و سهم استان از کل شاغلان این بخش، بیش از سهم آن از کارگاه‌های خدماتی کل کشور است. بررسی وضع موجود بخش خدمات در سطح کشور، بیانگر نبود تعادل در توزیع جغرافیایی این‌گونه امکانات در تمامی زمینه‌های خدماتی است. همان‌گونه که اشاره شد، بیشترین امکانات بخش خدمات در تهران، متمرکز است و سهم استان‌های دیگر کشور به‌جز معدودی از آن‌ها بسیار اندک است که این امر نشان‌دهنده شکل‌گیری فضایی به‌صورت قطبی و متمرکز است. ماهیت بخش خدمات به‌گونه‌ای است که همواره به دنبال شکل‌گیری فعالیت‌ها و جمعیت شکل‌یافته است و خود نیز به تمرکز بیشتر آن‌ها دامن زده است. **صنعت:** از دهه ۱۳۴۰ که صنعتی‌شدن کشور براساس سیاست جایگزینی واردات به‌شدت دنبال می‌شد، بسیاری از صنایع مونتاژ و صناعی که روی به بازار مصرف دارند، در شهر تهران استقرار یافتند. با آنکه در سال ۱۳۴۷، مقررات منع

احداث صنایع جدید تا شعاع ۱۲۰ کیلومتری شهر تهران وضع و اجرا شد و از رهگذر آن، قطب‌های صنعتی قزوین، قم، ساوه و سمنان شکل گرفتند، عملاً مزیت مکانی استان تهران شامل دسترسی به بزرگ‌ترین بازار مصرف، بزرگ‌ترین ذخیره نیروی انسانی متخصص کشور، زیرساخت‌های مجهز و دسترسی به مراکز مالی و تصمیم‌گیری اداری، موجب جذب فعالیت‌های صنعتی به استان شد. بررسی کلی ساختار صنعت در استان تهران نشان می‌دهد که تهران به‌عنوان پایتخت کشور از جایگاه ویژه‌ای در بخش صنعت کشور برخوردار است. مرکزیت سیاسی، اداری، مالی و قضایی، تمرکز سرمایه و پس‌انداز کافی، گردش سریع سرمایه، شبکه‌های ارتباطی زمینی، هوایی و راه‌آهن به تمام نقاط کشور و جهان، شبکه ارتباطی و مخابراتی مناسب، تأمین انواع انرژی‌ها، نیروی کافی انسانی متخصص و ماهر، تمرکز مراکز پژوهشی، وجود مراکز علمی و آموزشی فراوان، شبکه بهداشتی و درمانی مناسب، بازار وسیع مصرف، امکانات وسیع توزیع کالا و بسیاری از عوامل دیگر، جذابیت بسیاری را برای توسعه بخش صنعت در استان تهران فراهم کرده است. آمار سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که اگرچه تهران، سالانه با کاهش تعداد کارگاه‌ها روبه‌روست، همچنان تعداد کارگاه‌های صنعتی در استان تهران، بیشتر از سایر استان‌های کشور است و اختلاف زیادی با آمار آن‌ها دارد. از مجموع ۳۰۲،۱۵ کارگاه کل کشور، ۸۴۵،۲ کارگاه در استان تهران مستقرند. به‌عبارتی، سهم استان تهران از کارگاه‌های کشور ۱۸/۶ درصد است. این درحالی است که سهم استان اصفهان به‌عنوان دومین قطب صنعتی کشور، ۱۸۷۶ (۱۲/۲ درصد) است و این دو استان، اختلافی ۶/۴ درصدی با یکدیگر دارند. نگاهی به آمار ایلام و کهگیلویه و بویر احمد (به‌عنوان کم‌برخوردترین)، سهم ناچیز آن‌ها در بهره‌مندی از این کارگاه‌ها را مشخص می‌سازد؛ به‌طوری که سهم آن‌ها به‌ترتیب، معادل ۰/۳۳ و ۰/۳۴ درصد است؛ یعنی تنها ۵۱ و ۵۳ کارگاه از مجموع کارگاه‌های کشور را در خود دارند. این امر نابرابری میان استان‌های کشور را نشان می‌دهد. تعداد شاغلان کارگاه‌های صنعتی با ده نفر شاغل و بیشتر در کل کشور، در سال ۱۳۹۰، ۷۲۱،۲۴۹،۱ نفر است که از این تعداد، ۲۰،۲۹۴ نفر به تهران تعلق دارند و در کارگاه‌های تهران مشغول به فعالیتند که در جدول زیر نحوه تخصیص آن‌ها به گروه‌های مختلف آمده است.

جدول ۱۱. تعداد شاغلان صنعتی با ده نفر شاغل و بیشتر برحسب استان و طبقات شاغلان، ۱۳۸۹

شرح	جمع	۱۰-۴۹ نفر	۵۰-۹۹ نفر	۱۰۰ نفر و بیشتر
کشور	۱،۷۲۱،۲۴۹	۲۴۴،۳۳۳	۱۵۰،۶۳۰	۸۵۴،۷۵۸
تهران	۲۹۴،۰۲۰	۴۳،۴۱۴	۳۱،۷۸۰	۲۱۸،۸۲۶
نسبت تهران به کشور	۲۳/۵	۱۷/۷	۲۱/۰	۲۵/۶

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه ۱۳۹۰

اطلاعات جدول ۱۱ نشان می‌دهد ۲۳/۵ درصد از شاغلان کارگاه‌های صنعتی کشور به تهران تعلق دارند؛ درحالی که این سهم برای اصفهان، ۱۲/۶ درصد است.

- با توجه به آمار سال ۱۳۹۰، تهران بیشترین ارزش افزوده فعالیت صنعتی کارگاه‌های با ده نفر شاغل و بیشتر را تولید می‌کند؛ یعنی ۲۳/۹ درصد از ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی کشور را کارگاه‌های تهران تولید می‌کنند. در جدول زیر، سهم ارزش افزوده در رده‌های مختلف بررسی می‌شود تا مشخص شود کدامیک از گروه‌ها بیشترین ارزش افزوده را دارند.

جدول ۱۲. ارزش افزوده فعالیت صنعتی کارگاه‌های دارای ده نفر شاغل و بیشتر براساس نوع فعالیت و طبقات شاغل و استان، ۱۳۸۹

شرح	جمع	۱۰-۴۹ نفر	۵۰-۹۹ نفر	۱۰۰ نفر و بیشتر
تعداد	۴۹۶،۰۷۱،۰۹۹	۴۰،۴۶۳،۱۵۷	۰۲۸،۵۲۰،۶۹۴	۴۲۷،۰۸۷،۲۴۸
کشور	درصد ۱۰۰	۸/۱	۵/۷	۸۶/۰
تعداد	۱۱۸،۷۲۱،۵۱۹	۵،۲۷۷،۰۰۱	۵،۷۰۰،۸۴۸	۱۰۷،۷۴۳،۶۷۰
تهران	درصد ۱۰۰	۴/۴	۴/۸	۹۰/۷
نسبت تهران به کشور	۲۳/۹	۱۳/۰	۱۹/۹	۲۵/۲

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه ۱۳۹۰

اطلاعات مندرج در جدول فوق نشان می‌دهد بیشترین ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی به رده ۱۰۰ نفر شاغل و بیشتر تعلق دارد و کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر شاغل، علی‌رغم تعدد، نقش چندانی در تولید صنعتی ایفا نمی‌کنند. دلایل اصلی این امر ممکن است فناوری پایین، سازماندهی ضعیف تولید و محرومیت از صرفه‌های مقیاس باشد. مقایسه میزان ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی استان‌های مختلف کشور به سود تهران، اختلاف زیاد میان آن‌ها را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری

حدود یک قرن از تمرکزگرایی تهران می‌گذرد. در این فاصله زمانی، ایران در تمام ابعاد در تهران متمرکز شد. این تمرکزگرایی با تمرکز سیاسی، آغاز شد و به تمرکز همه‌جانبه رسید. در پی تمرکزگرایی مکانی کشور، تفکرهای توسعه‌ای نیز متمرکز شد. اکثریت برنامه‌ها و اقدام‌های صورت‌گرفته در راستای اهداف تهران متمرکز، جنبه قانونی و اجرایی به خود گرفت و همه افکار بر این شد که کشور مساوی است با تهران. در چنین شرایطی، مؤلفه‌های سیاسی-اقتصادی و اجتماعی، بیشترین نقش را در نظام برنامه‌ریزی فضایی و توسعه کشور ایفا کردند. نبود نظام برنامه‌ریزی بخشی-ناحیه‌ای از یک‌سو و بخشی‌بودن برنامه‌ها به علت سلطه نظام تمرکزخواه و تمرکزگرا از سوی دیگر موجب شده بود نواحی در تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه کشور مشارکت جدی و سازمان‌یافته نداشته باشند. به همین سبب، برنامه‌های توسعه، فارغ از توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت نواحی کشور تهیه شدند و نه تنها به ایجاد تعادل‌های ناحیه‌ای منجر نشدند، بلکه نابرابری‌ها و قطبی‌شدن فضایی و بخشی را تشدید کردند. شاید بتوان گفت اکثر انقلاب‌ها و ناآرامی‌های کشورهای توسعه در دهه‌های اخیر، ریشه در نبود تعادل منطقه‌ای داشته است. دولت‌های ملی در حال حاضر، بیشتر مراقب دوری‌جستن از بی‌ثباتی سیاسی هستند و کمتر به تشویق توسعه سیاسی می‌پردازند. حتی اگر دولتی از جهات گوناگون اهمیت زیادی برای تمرکززدایی قائل نیست، لاقلاً از نظر حفظ خود و جلوگیری از بروز ناآرامی‌های سیاسی، باید به این پدیده توجه کند. شرایط سیاسی در حال حاضر تمرکززدایی را تجویز می‌کند. پرداختن به این موضوع، از این جهت اهمیت دارد که یکی از مهم‌ترین اهداف کشور، به‌ویژه پس از انقلاب، دستیابی به توسعه‌ای متعادل در سراسر کشور بوده است. بسیاری از مشکل‌ها و چالش‌های نظام شهری و منطقه‌ای، ریشه در نظام کلان مدیریت و برنامه‌ریزی متمرکز و بخشی دارد که با تقویت بیش از حد نقش همه‌جانبه‌تصدی‌گری دولت در تهران، بر کارآمدی انواع طرح‌ها و برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای و حتی شهری و روستایی به صورت نامطلوب، تأثیر گذاشته است؛ بنابراین، برنامه‌های توسعه نباید تنها با هدف تراکم‌زدایی باشد؛ بلکه تدوین و اجرای سیاست‌های تعادل‌بخشی و توسعه منطقه‌ای باید در دستور جدی قرار گیرد و با اراده ملی، همه مناطق کشور را در فرایند توسعه به مشارکت بطلید؛ چراکه تراکم‌زدایی و فراقنی فضایی و جغرافیایی، به صورت ایجاد مراکز شهری تقریباً متصل و پیوسته به شهر تهران اتفاق افتاد و خود به ایجاد تمرکزهای جدیدی چون کلان‌شهر کرج، شهر بزرگ اسلامشهر و... منجر شد؛ بنابراین، باید چاره‌اساسی را در

کاهش تمرکز از حاکمیت سیاسی-اداری و سطوح تصمیم‌گیری و مدیریتی کشور به نفع مدیریت محلی و مدیریت توسعه استانی (منطقه‌ای) دنبال کنیم تا به شیوه‌های اصلی تمرکززدایی (واگذاری اختیارات و نه فقط تفویض اختیارات) و با رویکرد اصلاحات در ساختار حکومت، از تمرکز تهران و کشور بکاهیم و از طریق گسترش تمرکززدایی، زمینه توسعه کشور را فراهم سازیم.

در این راستا پیشنهاد می‌شود که تنظیم وظایف، براساس تلاش در واگذاری عملکردها به پایین‌ترین سطح عملی-اقتصادی صورت گیرد و از تمرکزگرایی سلسله‌مراتبی پرهیز شود. در مقابل، احراز کارکردهای بین‌المللی ناشی از یکپارچگی مدیریت مجموعه و بازنگری مجدد سازمان مدیریت کلان‌شهرهای کشور در جهت برقراری حکمروایی شایسته و با تأکید بر مشارکت دربرگیرنده اجتماع‌های محلی و دیگر کنشگران توسعه در منطقه کلان‌شهری، راهگشا خواهد بود. پیشینه نظام حکومت محلی و میزان استقلال آن از حکومت مرکزی، تحول‌های منطقه‌گرایی، اراده نظام سیاسی حاکم، سطح دموکراسی و سابقه مشارکت مردم در اداره سطوح مختلف حکومت، تأثیر شایان توجهی بر ماهیت نظام مدیریت آمایش سرزمین و میزان توفیق آن دارد؛ بنابراین، تغییر در نظام مدیریت آمایش در سطوح ملی و منطقه‌ای ایران، مستلزم پیگیری سیاست‌های تمرکززدایی و واگذاری اختیارها به نظام مدیریت محلی، افزایش سطح مشارکت مردم و سازوکارهای منطقه‌گرایی در ایران است. تجربه نشان داده است که اگر نظام سیاسی، افراد را برای مشارکت بیشتر در امورشان به کار گمارد، بهتر می‌تواند عدالت اجتماعی را برقرار سازد. به عبارت دیگر، مطرح کردن ایده تحول حکمرانی به حکمروایی، به عنوان یک ضرورت در جریان واگذاری اختیارها به حکومت محلی مطرح است. در واقع، می‌توان گفت که تمرکززدایی، مدلی مناسب برای برقراری حکمروایی خوب است. نظام مدیریت آمایش سرزمین، نظام حکمروایی محلی و نظام حکمروایی مناطق، از طریق سازوکارهای مختلف مشارکت مردم و بسط دموکراسی محلی معنا می‌یابد. در غیر این صورت، هریک از اجزای سیستم مدیریت آمایش سرزمین، مدیریت محلی و منطقه‌ای در حد شعبه‌ای از حکومت مرکزی باقی خواهند ماند.

منابع

۱. آسایش، حسین، ۱۳۷۵، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی استانی، دانشگاه پیام نور، تهران.
۲. احسن، مجید، ۱۳۷۳، تمرکز و تمرکززدایی و آثار کالبدی آن، فصلنامه آبادی، سال چهارم، شماره ۱۵.
۳. استانداری تهران، ۱۳۸۸، طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران، مطالعات اقتصادی، GDP، معاونت برنامه‌ریزی استانداری.
۴. اطاعت، جواد و سیده زهرا موسوی، ۱۳۸۹، تمرکززدایی و توسعه پایدار در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱.
۵. افروغ، عماد، ۱۳۷۳، شهری‌شدن و توسعه و نظریه شهری پیشنهادی مرکز-پیرامون، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی، جلد اول، سمت، تهران.
۶. امیراحمدیان، هوشنگ، ۱۳۷۳، برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران، مجله توسعه منطقه‌ای، شماره ۲۰.
۷. امیریان، سهراب، ۱۳۸۵، تحلیل نقش دولت در گسترش و تمرکز شهرنشینی در ایران (با تأکید بر دولت مدرن)، رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، استاد راهنما: محمدتقی رهنمایی، دانشگاه تهران، تهران.
۸. پاپلی یزدی، محمدحسین، ۱۳۷۲، تمرکزگرایی و عدم تمرکزگرایی و اثرات آن، نمونه مسائل اداری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۹.
۹. بیران، پرویز، ۱۳۶۸، توسعه برون‌زا و شهر: مورد ایران، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۳۰-۳۱.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی ایران، سمت، تهران.

۱۱. حسن بخشان، محسن، ۱۳۸۹، بررسی مسائل و مشکلات کلان‌شهر تهران، بخش سوم (بررسی و تحلیل کارکردها و چالش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهر تهران)، استانداری تهران.
۱۲. حناچی، سیمین، ۱۳۸۳، بررسی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری در ایران، فصلنامه آبادی، شماره ۴۲.
۱۳. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۶، شهرگرایی و چشم‌انداز تمرکززدایی در شهر تهران، پژوهش‌های جغرافیایی، مؤسسه جغرافیایی، دانشگاه تهران.
۱۴. رضویان، محمدتقی، ۱۳۷۴، تمرکززدایی در کشورهای در حال توسعه و ایران، شروین، تهران.
۱۵. روستایی، شهریور، ۱۳۷۷، سازمان فضایی نظام سکونتگاهی و نقش آن در تعامل ناحیه‌ای، پایان‌نامه دکتری رشته جغرافیای شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۶. رهنمایی، محمدتقی، ۱۳۸۳، دولت و شهرنشینی: گفتگو با محمدتقی رهنمایی، فصلنامه آبادی، شماره ۴۲.
۱۷. زنجانی، حبیب‌الله، ۱۳۸۸، طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران، مطالعات سیاسی، روند تحولات جمعیت، معاونت برنامه‌ریزی استانداری.
۱۸. زنجانی، محمود، ۱۳۸۰، تاریخ تمدن ایران باستان، آشیانه کتاب، تهران.
۱۹. زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۸۶، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۰. شکویی، حسین، ۱۳۸۴، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، سمت، تهران.
۲۱. طهری، ابوالقاسم، ۱۳۷۸، حکومت‌های محلی و عدم تمرکز، قومس، تهران.
۲۲. فقیهی، ابوالحسن، ۱۳۸۴، بوروکراسی و توسعه در ایران، رسا، تهران.
۲۳. قنبری، ابوالفضل و میرنجف موسوی، ۱۳۹۰، قطب‌های رشد به مثابه رویکردی در عدم تعادل‌های ناحیه‌ای ایران، فصلنامه فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، شماره ۳۴، صص ۵۰-۷۲.
۲۴. قنبری، ابوالفضل، ۱۳۹۰، تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۳، صص ۱۳۷-۱۶۹.
۲۵. کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۷۴، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مرکز، تهران.
۲۶. کلاتری، خلیل، ۱۳۸۶، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، خوشبین، تهران.
۲۷. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، سمت، تهران.
۲۸. مدنی، قاسم، ۱۳۸۹، بررسی مسائل و مشکلات کلان‌شهر تهران، بخش چهارم (سناریوهای ممکن برای نقش و کارکرد آینده شهر تهران)، استانداری تهران.
۲۹. مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، گزیده نتایج سرشماری ۱۳۷۵ استان تهران.
۳۰. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶، گزیده نتایج سرشماری ۱۳۸۵ استان تهران.
۳۱. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱، سالنامه آماری ۱۳۹۰ تهران.
۳۲. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱، سالنامه آماری ۱۳۹۰ کل کشور.
۳۳. مطوف، شریف، ۱۳۷۸، نقش مشارکت مردم در برنامه‌ریزی توسعه کشور، فصلنامه پژوهش، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، پیش‌شماره سوم (بهار و تابستان).
۳۴. نوری دانش، عبدالجمال، ۱۳۸۰، فدرالیسم؛ بررسی و مطالعه منطقه آذربایجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

۳۵. وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴، چشم‌انداز تمرکززدایی از تهران، نهاد مطالعه و تهیه طرح‌های توسعه شهری.

36. Afrough, E., 1994, **Urbanization and Development of Proposed Urban Theory Center - Periphery**, Articles of Sociology Seminar, Volume I, Samt, Tehran. *(In Persian)*
37. Ahsan, M., 1994, **Centralization and Decentralization and its Physical Effects**, Abadi Journal, Vol. 4, No.15. *(In Persian)*
38. Amirahmadi, H., 1986, **Regional Planning in Iran**, Journal of Developing Areas, Vol. 20. *(In Persian)*
39. Amirian, S., 2006, **Analysis of Government Role on Development and Urbanization Focus in Iran (With Emphasis on the Modern State)**, Thesis of Geography and Urban Planning, Supervisor: Mohammad Taghi Rahnamaii, Tehran University. *(In Persian)*
40. Asayesh, H., 1996, **Principles and Procedures of Provincial Planning**, Payame Noor University, Tehran. *(In Persian)*
41. Eta'at, J. and Moussavi S. Z., 1994, **Decentralization and Sustainable Development in Iran**, Human Geography Research, No. 71. *(In Persian)*
42. Faqihi, A., 2005, **Bureaucracy and Development in Iran**, Rasa, Tehran. *(In Persian)*
43. Ghanbari, A., 2011, **Analysis of factors Affecting Inequality in Uurban Areas of Iran**, Journal of Geographical Logistics, No. 3, pp. 137-169. *(In Persian)*
44. Ghanbari, A., and Mousavi, M. R., 2011, **Growth Poles as an Approach in Regional Imbalances in Iran**, Journal of Geographical Space, Islamic Azad University of Ahar, No. 34, pp. 50-72. *(In Persian)*
45. Governor of Tehran, 2009, **Prepare and Formulation Plan of Logistics in Tehran**, Economic Studies, GDP; Governor Planning Department. *(In Persian)*
46. Hafezniya, M., 2002, **Geopolitics of Iran**, Samt, Tehran. *(In Persian)*
47. Hanachi, S., 2004, **Review the Planning System and Management of Urban Development in Iran**, Abadi Quarterly, No. 42. *(In Persian)*
48. Hasan Bakhshan, M., 2010, **A Study of the Problems of Tehran Metropolitan**, Section III (Evaluation and Analysis of Functions and Political, Social and Cultural Challenges of Tehran), Tehran Governor. *(In Persian)*
49. Kalantari, Kh., 2008, *Planning and Regional Development*, 2nd Ed, Khoshbin, Tehran. *(In Persian)*
50. Katoozian, M. A., 1995, **The Political Economy of Iran: from Constitution by the end of the Pahlavi Dynasty**, Translated by Mohammad Reza Nafissi and Kambiz Azizi, Markaz, Tehran. *(In Persian)*
51. Madani, G., 2010, **A Study of the Problems of Tehran Metropolitan**, Section IV (Possible Scenarios for the Future Role and Function of Tehran), Tehran Governor. *(In Persian)*
52. Ministry of Housing and Urban Development, 2005, **Decentralization Vision in Tehran**, Research and Urban Development Plans Institution. *(In Persian)*
53. Mojtahedzadeh, P., 2002, *Political geography and Geo-politics*, Samt, Tehran. *(In Persian)*
54. Motavaf, Sh., 1999, **The Role of Public Participation in National development planning**, Research Journal, Tehran, Institute of Humanities and Social Sciences of University Jihad, pre-third issue (spring and summer). *(In Persian)*
55. Noori Danesh, A., 2001, **Federalism; the Study and Review of Azerbaijan's Region**, M.A thesis of geopolitical, Tehran Central Branch, Islamic Azad University. *(In Persian)*
56. Pably Yazdi, M. H., 1993, **Centralization and Decentralization and its Effects; Typical Administrative Issues**, Journal of Geographical Research, No. 29. *(In Persian)*
57. Piran, P., 1989, **Extrinsic and Development and City: The Case of Iran**, Political -Economic Information, No. 30-31. *(In Persian)*
58. Rahnamaii, M. T., 2004, **Government and Urbanism:Conversation with M.h. Rahnamaii**, Abadi Quarterly, No. 42. *(In Persian)*

59. Razavian, M. T., 1995, **Decentralization in the Developing Countries and Iran**, Sherwin, Tehran. *(In Persian)*
60. Rezvani, M., 2007, **City Aversion and Decentralization Vision in Tehran**, Geographical Researches, Geographical Institute, Tehran University. *(In Persian)*
61. Roostaii, Sh., 1998, **Spatial Organization of Settlement System and its Role in the Region Interaction**, Urban Geography, PhD Thesis, Tarbiat Modarres University, Tehran. *(In Persian)*
62. Shokoi, H., 2005, **New Perspectives in Urban Geography**, Samt, Tehran. *(In Persian)*
63. Statistical Center of Iran, 2011, **Statistical Yearbook 2010 of Tehran**. *(In Persian)*
64. Statistical Center of Iran, 1997, **Selective Census Results of 1996 in Tehran**. *(In Persian)*
65. Statistical Center of Iran, 2007, **Selective Census Results of 2006 in Tehran**. *(In Persian)*
66. Statistical Center of Iran, 2011, **Statistical Yearbook 2010, whole country**. *(In Persian)*
67. Taheri, A., 1999, **Local Governance and Decentralization**, Ghomess, Tehran. *(In Persian)*
68. Zanjani, H., 2009, **Prepare and Formulation Plan of logistics in Tehran**, *political studies, population changes trend*, Governor Planning Department. *(In Persian)*
69. Zanjani, M., 2001, **History of Civilization in Ancient Iran**, Ashyaneh Ketab, Tehran. *(In Persian)*
70. Ziyari, J., 2009, **Principles and Methods of Regional Planning**, Tehran University Press, Tehran. *(In Persian)*